

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: تفسیر سوره بقره
 تاریخ: ۲۲ مهر ۱۳۹۷
 موضوع جزئی: آیه ۲۵ - مبشّرین و مبشّرین - لزوم حسن فعلی و فاعلی
 مصادف با: ۴ صفر ۱۴۴۰
 برای بهره‌مندی از بهشت
 جلسه: ۵

﴿ الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین ﴾

خلاصه جلسه قبل

عرض کردیم یکی از موضوعاتی که در آیه ۲۵ مورد اشاره قرار گرفته، بشارتی است که به اهل ایمان و عمل صالح داده شده است. به همین مناسبت مطالبی در مورد بشارت های قرآنی مورد تعرض واقع شد. گفتیم فلسفه انذار و تبشیر چیست و به چه دلیل در قرآن انذار و تبشیر واقع میشود و وجه اغلب بودن آیات انذار نسبت به آیات تبشیر چیست. بعلاوه گفتیم که مسأله بشارت و متعلق بشارت گاهی صرفاً امور دنیوی است مثل بشارت به فرزند در مورد بعضی از انبیاء، بشارت به اسحاق و نبوت او و اینکه از صالحین است، یا بشارت به برخی امداد های غیبی در جنگ ها و گاهی هم بشارت به امور آخروی است و گاهی بشارت به هر دو است، مانند بشارت به حیات در دنیا و حیات در آخرت.

مبشّرین (بشارت داده شدگان)

اما چه کسانی به آن ها بشارت داده میشود، یعنی مبشّرین (بشارت داده شدگان) چه کسانی هستند؟ در قرآن از چند گروه به عنوان کسانی که بشارتی به آن داده شده یاد شده است. البته این به غیر از بشارتی است که به یک فرد خاصی داده شده است چون مثلاً بشارت به مادر حضرت مریم برای اینکه خدا فرزندی به آن میدهد یا بشارت به عمران برای تولّد یحیی داده شده، این ها موارد خاص است که بشارت هایی برای آن ها ذکر شده اما به غیر از این موارد خاص نوعاً برخی از کسانی که به آن ها بشارت داده شده ولی با اوصافی از آنها یاد شده است: اجمالاً به چهار گروه خداوند متعال بشارت داده است، بشارت به آخرت و حیات آخروی و بهشت جاویدان.

۱. یکی آن هایی که اهل ایمان و تقوای الهی هستند، در آیه «الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ»^۱ آن هایی که ایمان آوردند و تقوا پیشه کردند، البته گاهی تقوا به جای ایمان و عمل صالح با هم بکار رفته و با عنوان اهل تقوا از آن دو یاد شده؛ چون تقوا جامع بعد قلبی و بعد جوارحی است، ایمان قلبی و عمل که به جوارح انسان مربوط می شود. گاهی هم عطف به «الَّذِينَ آمَنُوا» شده که در اینجا می شود «ذکر عام بعد الخاص»، «الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ» آنهایی که ایمان آوردند و تقوا پیشه کرده‌اند، این میتواند ذکر عام بعد از خاص باشد یا در اینجا می‌تواند تقوا

^۱ سوره یونس: آیه ۶۳.

بخصوص در عمل صالح استعمال شده باشد. به هر حال هر دو صورت میتواند منظور باشد. علی ای حال کسانی که اهل ایمان و تقوای الهی هستند به این ها بشارت داده شده است.

۲. گروه دیگر کسانی هستند که اجتناب از طاغوت کرده اند: «وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى»^۱ یعنی کسانی که از طاغوت اجتناب کردند و به سوی خدا باز گشتند، برای آن ها بشارتی است.

۳. تعبیر سومی که برای بشارت داده شدگان بکار رفته همین آیه مورد بحث است که در آن بشارت به اهل ایمان و عمل صالح داده شده یا آیه «ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»^۲.

۴. گروه چهارم مهاجرین و مجاهدین فی سبیل الله هستند: «الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ»^۳ کسانی که ایمان آوردند و هجرت کردند و در راه خداوند مجاهدت کردند، یا مجاهدت با مال و یا مجاهدت با جان، این ها برترین و بزرگترین درجه ها نزد خدا دارند و رستگار هستند و کسانی هستند که پروردگار به رحمت خودش به آن ها بشارت داده.

نتیجه

پس مجموعاً بشارت داده شدگان این گروه ها هستند، اگر بخواهیم همه این ها را تحت عنوان یک عنوان جمع کنیم می توانیم عنوان «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» را ذکر کنیم. کسی که ایمان بیاورد قهراً اجتناب از عبادت طاغوت دارد، کسی که ایمان بیاورد و اهل عمل صالح باشد در راه خدا هجرت می کند و با جان و مال جهاد می کند؛ لذا اگر بخواهیم تمام اصناف بشارت داده شدگان را در یک عبارت و در یک کلمه جمع کنیم، میتوانیم همین عنوان اهل ایمان و عمل صالح را بکار ببریم.

بشارت داده شدگان در روایات

در عین حال در برخی روایات، مصادیقی را برای بشارت داده شدگان ذکر کرده اند. ما عرض کردیم این ها همه تحت عنوان «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» گنجانده میشود؛ مگر بشارت های خاص که مقوله دیگری است. در این آیه اهل ایمان و عمل صالح ذکر شده اند. اما در برخی روایات به مصادیق واضح و روشن بشارت داده شدگان، اشاره کرده از جمله این روایت: «عن الباقر (علیه السلام) فی قوله تعالی: «و بشر الذین آمنوا و عملوا الصالحات أن لهم جنات تجری من تحتها الأنهار، فالذین آمنوا و عملوا الصالحات»، علی بن ابی طالب و الأوصیاء من بعده و شیعتهم»^۴. آن هایی که ایمان آوردند و عمل صالح دارند عبارت اند از علی بن ابی طالب و اوصیاء بعد از او و پیروان آن ها. «شیعتهم» پیروان واقعی است، اگر کسی ادعای پیروی امیرالمؤمنین می کند ولی از نظر عمل و باور قلبی پیروی ندارد مشمول این بشارت نیست.

^۱ سوره زمر: آیه ۱۷ و ۱۸.

^۲ سوره شوری: آیه ۲۳.

^۳ سوره توبه: آیه ۲۰.

^۴ بحارالأنوار، ج ۳۶، آیه ۱۲۹.

در روایت دیگری از امام باقر(ع) در مورد همین آیه وارد شده است که فرمود: «نزلت فی حمزة و علی»^۱، این آیه در مورد حمزة سید الشهداء و امیرالمؤمنین نازل شده.

حال آیا این روایات که مصادیق خاصی را برای «الذین آمنوا و عملوا الصالحات» ذکر کرده، منافاتی دارد با آن گروه هایی که خود قرآن معرفی کرده است؟

پاسخ این است که خیر، ما مکرر در مواردی از این قبیل گفتیم و این می تواند یک قاعده و ضابطه در اختیار شما باشد که فرق است بین تفسیر مفهومی آیه و تطبیق مصادیقی و جری. آنچه از روایات که مصادیق خاصی را برای آیات ذکر کرده بدست می آید این است که این ها از قبیل جری و تطبیق است یعنی کأن این مفاهیم را منطبق کرده اند بر برخی مصادیق و بلکه اعلی المصادیق، روشن ترین و واضح ترین مصادیق این ها هستند ولی منظور این نیست که «الذین آمنوا و عملوا الصالحات» فقط این ها هستند و غیر این ها کسی نیست. این را عنایت بفرمایید که این قبیل روایات (غیر از روایاتی که مبین آیات متشابه قرآن اند و به هر حال گاهی تأویلاتی را برای آیات بیان می کند)، نوعاً تطبیق می دهند آن مفهوم را بر بارزترین و روشن ترین و برترین مصادیق، ولی معنایش این نیست که بگوییم «الذین آمنوا و عملوا الصالحات» فقط علی و اولاد علی و اوصیاء بعد علی هستند و این منطبق بر هیچ کس دیگر نیست.

به هر حال اجمالاً بشارت داده شدگان در قرآن این گروه ها هستند.

مبشّرین

در قرآن به مبشّرین هم عنایت دارد یعنی برخی آیات بشارت دهندگان را معرفی کرده است.

۱. گاهی خود خداوند مستقیماً بشارت می دهد، یعنی مبشّر خود خدا هست مثل آیه «يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ»^۲ در اینجا خود خداوند بشارت داده است و موضوع و متعلق بشارت رحمة منه است که این می تواند هم به دنیا مربوط باشد و هم به آخرت.

۲. گاهی اوقات بشارت دهنده پیامبر(ص) است یعنی خداوند به پیامبر(ص) میفرماید که تو بشارت بده مثل همین آیه مورد بحث و یا آیه «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا»^۳ در اینجا خداوند نبی مکرم اسلام را توصیف می کند به عنوان مبشّر، و این خودش یک وصفی است که پیامبر مبشّر است.

۳. گاهی قرآن به عنوان مبشّر معرفی شده است، چندین آیه در قرآن وارد شده که قرآن را به عنوان مبشّر ذکر کرده از جمله این آیه «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ»^۴ که میفرماید: ما قرآن را برای تو

^۱ بحار الأنوار، ج ۴۱؛ ص ۷۹.

^۲ سوره توبه آیه ۲۱.

^۳ سوره احزاب آیه ۴۵.

^۴ سوره نحل آیه ۸۹.

نازل کردیم که در آن تبیان برای هر شیئی بیان کرده و توضیح داده، و کتاب هدایت و رحمت است و بشارت دهنده به مسلمین است. این آیه از جمله بشارت داده شدگان را مسلمین معرفی کرده چون میگوید: این کتاب بشارت برای مسلمین است و این میتواند به عنوان گروه پنجمی باشد که بشارت به آن ها داده می شود، آنوقت در اینجا منظور از مسلمین فقط مسلمین اسمی منظور نیست و علی القائده آن هایی می باشند که به معنای واقعی کلمه مسلم اند و تسلیم شده اند، چون بشارت نمی شود در این امور به کسی متوجه شود که به اسم و ظاهر مسلمان باشد ولی با اسلام بیگانه باشد.

۴. گاهی هم همه انبیاء به عنوان مبشّر معرفی شده اند مانند آیه: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ»^۱ یعنی همه مردم امت واحد بودند پس خداوند پیامبرانی برانگیخت که مبشّر و منذر باشند؛ این هم برای پیامبر مکرم اسلام و هم برای همه پیامبران ذکر شده است. پس بشارت دهنده یا خداست یا پیامبر یا قرآن است، یا انبیاء الهی هستند و یک موارد خاصی هم در قرآن وجود دارد که بطور خاص ممکن است آن ها حامل نوعی بشارت باشند. مثلاً در آیه ۵۷ سوره اعراف از ریح (باد) به عنوان مبشّر هم یاد شده است. این یک اجمالی درباره ی مسأله بشارت بود.

حسن فعلی و فاعلی اهل بهشت

مطلب دیگری که در این آیه به آن پرداخته شده در مورد «الذین آمنوا و عملوا الصالحات» است. بنده قبلاً هم عرض کردم که گاهی بعضی واژه ها و تعبیرها در قرآن جنبه کلیدی دارد یعنی این ها به قدری در قرآن تکرار شده اند که در اولین موضع کاربرد این واژه ها و عبارات و عناوین و ألفاظ اگر ما یک توضیح اجمالی از این ها بدهیم در مواضع دیگر نیازی به این توضیحات نیست مگر اینکه نکته خاصی در آن خصوص لازم به ذکر باشد. در واقع این ها اصول و خطوط کلی تفسیر می توانند تلقی شوند، فقط تفسیر این آیه نیست، اما نوع تفسیر و بیان ما در واقع بیشتر بر این مطلب تکیه دارد که خطوط کلی تفسیر را در بین این آیات انشاءالله بیان کنیم و بتواند از این جهت راه گشا باشد.

یکی از تعابیری که در قرآن زیاد بکار رفته تعبیر «الذین آمنوا و عملوا الصالحات» است. اینجا هم همین تعبیر بکار رفته است، منظور از ایمان و عمل صالح چیست؟ همانطور که عرض کردم گاهی بجای این دو تعبیر، تعبیر تقوا آمده که جامع هر دو عنوان است مثل آیه ای که مانند آیه مورد بحث ماست و این است «لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ»^۲.

منظور از ایمان و عمل صالح که بعضاً از آن با یک تعبیر جامع تری به نام تقوا یاد میشود چیست؟ مقصود این است که این دو با هم تأثیر دارند در بهره مندی از آنچه که به عنوان بشارت در این آیه ذکر شده؛ یعنی نه ایمان به تنهایی و نه عمل صالح به تنهایی کافی نیست. ایمان همان باور قلبی و نیّت های درونی یا گرایشات و تمایلات باطنی

^۱ سوره بقره: آیه ۲۱۳.

^۲ سوره آل عمران: آیه ۱۵.

است. آیا اگر کسی ایمان به تنهایی داشته باشد ولو عمل صالح نداشته باشد، این ممکن است باعث بهره مندی او از این بشارت ها بشود؟ یعنی این بشارت ها به کسی متوجه شود که فقط ایمان دارد؟

یا به عکس کسی فقط اهل عمل صالح باشد اما ایمان و اعتقاد و باور قلبی در او نباشد؟ معلوم است که این دو با هم ملاک بهره مندی از نعمت هایی است که در این آیه ذکر شده است؛ و بشارت به جامع بین ایمان و عمل صالح و کسی که جمع بین این دو کرده، داده شده است. مقصود در واقع این است که انسان در صورتی می تواند از بهشت الهی برخوردار شود که هم حسن فاعلی داشته باشد و هم حسن فعلی. حسن فاعلی به تنهایی شخص را از این نعمت ها بهره مند نمی کند. حسن فعلی هم به تنهایی شخص را داخل در این محدوده و نعمت های الهی نمی کند. این دو با هم ثمر دارد.

باید شخص در درون خودش و در اعتقاد خودش به یک نقطه ای رسیده باشد که ایمان به مبدأ وجود و توحید پیدا کند، ایمان به خدا و نفی شرک، عبادت خدا و اجتناب از طاغوت کند. در بعضی از آیات قرآن به این مسأله اشاره شده از جمله این آیه: «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا»^۱ اینکه جمله «كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا» عطف شده بر «آمنت»، ظهور در این دارد که اگر کسی ایمان به تنهایی داشته باشد اما ایمان او منشاء کسب خیر نشود، این باعث نجات او از عذاب نیست و مثل این است که اصلاً ایمان نیاورده است و لذا آن هایی که بعضاً می گویند باطن انسان پاک باشد، ایمانش درست باشد، ولو عمل هم نداشته باشد این کافی است، بر طبق نص این آیه این چنین نیست و او را از عذاب دور نمی کند. بله، این شخص با کسی که اصلاً ایمان ندارد مانند مشرکان و کفار فرق می کند، اما به هر حال کسی که ایمان دارد و اهل عمل صالح نیست باز هم در عذاب است، منتهی خلود و جاودانگی برای او نیست.

برخی از آیات قرآن هم اشاره دارد به اینکه حسن فاعلی به تنهایی کافی نیست و باید حسن فعلی هم باشد مانند این آیه: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بَقِيَعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمَانُ مَاءً حَتَّى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا»^۲ که درباره کافران میفرماید که اعمال آن ها مثل سرابی است که در بیابان انسان می بیند و گمان می کند آب است و نزدیک که میشود می بیند آب نیست. ممکن است انسانی کافر باشد و عمل صالح هم داشته باشد، ولی این عمل صالح برای او مثل سراب است، هیچ نتیجه و ثمری ندارد، بله، کسی اثر وضعی اعمالش را در دنیا می بیند ولی نفعی به حال او در آخرت ندارد. پس نتیجه این است که انسان وقتی وارد بهشت و برخوردار از نعمت های آن میشود که دارای ایمان و عمل صالح باشد؛ یعنی هم حسن فاعلی و هم حسن فعلی داشته باشد.

«والحمد لله رب العالمين»

^۱ سوره انعام آیه ۱۵۸.

^۲ سوره نور آیه ۳۹.